

عابد» یکی دیگر از اوج‌های مهم تلویزیون در سریال‌سازی مناسبی بود که در کنار «بزنگاه» به کارگردانی رضا عطاران قوتی ویژه به آنتن تلویزیون در سال ۸۷ بخشید اما گویی پس از این سال تلویزیون راه رسیدن به مخاطبان را نسبتاً گم کرد و نتوانست به قوت قبل سریال‌هایی را روانه آنتن کند که باشکوه و جذاب باشند و البته در همین مدت رکورد تلویزیون سریال‌هایی چون «در مسیر زاینده‌رود» ساخته حسن فتحی، «نردبام آسمان» به کارگردانی محمدحسین لطیفی، «پنجمین خورشید» ساخته علیرضا فخمی و «جراحی» به کارگردانی محمد مهدی عسگرپور را روانه آنتن کرد که نسبتاً در جذب مخاطب موفق بودند.

اما در دهه نود ما شاهد شیبی در سریال‌سازی رضانی بودیم که روز به روز جدول پخش این ماه را از مردم دورتر کرد؛ چنانچه در ۱۰ سال گذشته شاید تنها بتوان نمونه‌هایی چون «دودکش» ساخته محمدحسین لطیفی، «مادرانه» به کارگردانی جواد افشار، «مدینه» و «پایتخت ۴» ساخته سیروس مقدم و در نهایت «دردسرهای عظیم ۲» به کارگردانی برزو نیک‌نژاد را، آن هم در نسبیته با کل دهه نود، سریال‌هایی موفق ارزیابی کرد.

آیا مخاطبی که این‌خاطرها را در ذهن دارد می‌توان با «خوشنام» و «تجلا ۲» راضی کرد؟ پاسخ به قطعیت خیر است و همین منفی بودن باید به تغییر رویکردی در سریال‌سازی تلویزیون منجر شود.

دوش» به کارگردانی رضا عطاران و هنرنمایی حمید لولایی در نقش ماشاءالله مرزوقی با محور قرار دادن فرجام نیک تلاش برای کسب درآمد حلال، «ویک فرشته بود» ساخته علیرضا فخمی و «اغما» به کارگردانی سیروس مقدم درباره تقابل انسان و شیطان اشاره کرد. سریال «متهم گر بخت» ساخته رضا عطاران و با هنرنمایی سیروس گرجستانی در نقش هاشم بابازاده با داستانی از نیک‌اندیشی شخصیتی ساده‌دل و باصفا که قلبش مدام باتری خالی می‌کند و در تردد مدام میان این دنیا و آن دنیاست مفاهیمی کلیدی از اخلاق اخروی را به زندگی دنیوی پیوند می‌زد و باور فکری‌اش را در جمله «این دنیا به شاهی هم نمی‌ارزه» بیان می‌کرد.

در این میان تلویزیون در سال ۸۵ با سه سریال جذاب «صاحب‌لان» ساخته محمدحسین لطیفی، «آخرین گناه» به کارگردانی حسین سهیلی‌زاده و «زیرزمین» ساخته علیرضا فخمی قدرت بالای خود در جذب مخاطبان از هر طیف فکری را نشان داد و با محور قرار دادن خوانش آیات قرآن در زندگی امروز، اشاره به چشم‌برزخی و تصویرگری آیات عذاب گناهان کبیره، و در نهایت نقب‌زدن به پستوهای زیست در مناطق جنوبی تهران به بررسی فرهنگ زیستی در شهر مدرن و در جوار عرفان و معنویت اشارتی به‌جا و هدفمندانه داشت که با استقبال ویژه مخاطبان روبه‌رو شد.

ساخت «میوه ممنوعه» به کارگردانی حسن فتحی و بر پایه اشاراتی به داستان‌های مشهور کلاسیک مانند «شیخ صنعان» و «برصیصای

دستمایه قرار دادن مسائل اخلاقی و عرفانی همسوبا جامعه، یادداشت‌های کودکی» ساخته پریسا بخت‌آور با پرداخت به سوژه‌ای متفاوت در مقیاس آن دوران زمانی و جنگ‌زدن به موضوع ارزش‌های ویژه سنتی و پاسداشت نوستالژی‌های کودکی، «همراز» ساخته سامان مقدم و دستمایه قرار دادن رویکردی اخلاقی در خصوص رستگاری معرفتی انسان‌های خلفکار پس از زیستن در جوار انسان‌های صالح، و «عروج» ساخته سیروس مقدم با دستمایه قرار دادن توبه یک کلاهبردار و بازگشت او به سوی راست‌کرداری تلاش مناسبی در خوانش ایدئولوژی بر بستر باور عمومی انجام شده بود.

این تلاش‌ها در سریال‌های دیگری ادامه یافت که از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: «پشت کنکوری‌ها» ساخته پریسا بخت‌آور با توجه نشان دادن به دغدغه‌ها، چالش‌ها و سختی‌های جوانان پشت کنکوری؛ «زانت‌خوار کوچک» ساخته حسین سهیلی‌زاده با خلق شخصیت اشرافی‌باز بابازی سیروس گرجستانی و رویکردی کیمیک به مفاسد اداری و نقد به نوکیسه‌گی و ریاکاری رسوخ کرده در بخشی از بدنه مدیریتی ادارات دولتی؛ و سریال «کمکم کن» به کارگردانی قاسم جعفری با رویکرد پیوند زدن سرگشتگی‌های انسان امروز به پندار برزخ‌باور.

تلویزیون طی چند سال به چنان تخصصی در ساخت مجموعه‌های ماه رمضان رسید که با فرارسیدن ایام روزه‌داری، مخاطبان خود را با پخش سریال‌هایی کم‌دی و معناگرایانه غافلگیر می‌کرد که در این زمینه می‌توان به «خانه به



تلویزیون طی چند سال به چنان تخصصی در ساخت مجموعه‌های ماه رمضان رسید که با فرارسیدن ایام روزه‌داری، مخاطبان خود را با پخش سریال‌هایی کم‌دی و معناگرایانه غافلگیر می‌کرد

